

ضرورت تغییر رویکرد در مدیریت محیط‌های طبیعی کشور



قسمت چهارم: تدوین نقشه راه، حساسیت‌ها و خط قرمزها برای مدیریت تقاضای زمین

یکی از اقدامات اساسی برای کنترل و کاهش تقاضای زمین از محیط‌های طبیعی، شناخت این اکوسیستم‌ها و آشکارسازی ظرفیت‌ها، حساسیت‌ها و خط قرمزهای آنها است. این شناخت و آشکارسازی در ظرفیت علمی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور است، به طوری که توانایی پشتیبانی لازم از سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور را، در این راستا دارد. شناخت مردم، ساختار مدیریتی کشور و حتی بخش‌ها و دفاتر سازمان متولی حفاظت و مدیریت منابع طبیعی کشور در حد پیچیدگی این اکوسیستم‌ها نیست به طوری که نگاه عمومی به این عرصه‌های طبیعی، ذخیره زمین برای تأمین نیاز پروژه‌های عمرانی و توسعه‌ای کشور است، به همین دلیل هم مردم و هم بخش‌های مختلف دولت، در هنگام نیاز، بدون کمترین لکنت زبان، از منابع طبیعی تقاضای زمین می‌کنند و انتظار دارند به راحتی و در کمترین زمان ممکن این تقاضاها برآورده شود، این نوع نگاه حتی در بدنه قوه مقننه نیز حاکم است. برای تغییر و اصلاح نوع طرز تفکر نسبت به منابع طبیعی کشور، باید تلاش کرد تا همگان به شناخت کافی از حساسیت‌ها، پیچیدگی‌ها، عمق اهمیت و ارزش خدمات این اکوسیستم‌ها به انسان، دست یابند. باید پذیرفت تلاش بخش‌های مختلف مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور و سایر مراکز علمی و دانشگاهی در این راه کافی نبوده است، باید بدانیم ضرورت حیاتی، پیچیدگی، عمق و تنوع خدمات محیط‌زیستی، فرایندها و ظرفیت‌های این اکوسیستم‌ها به قدری بالا است که آنها را فدای تأمین زمین برای سایر نیازهای انسان، یا خدمات ابتدایی همچون تأمین منابع سلولزی چوب و علوفه نکنیم.



شکل ۱



سخن مدیر مسئول

در شکل ۱ به زبان ساده این ظرفیت‌ها و پیچیدگی‌ها در اکوسیستم‌های طبیعی در مقیاس‌های مختلف، از سطح اکوسیستم تا یک جمعیت کوچک ژنتیکی یک گونه گیاهی به تصویر کشیده شده است. این نمودار می‌تواند پایه‌ای ساده برای مطالعه و شناخت این پیچیدگی‌ها و حساسیت‌ها باشد. با استفاده از این نمودار در مقیاس‌های مختلف و نیز استفاده از داده‌های پژوهشی و نقشه‌های رقومی، اهمیت این ظرفیت‌های خدماتی تعیین می‌شود و ارزش آنها با اهداف اقتصادی پروژه‌ها، که در جستجوی تغییر کاربری این عرصه‌ها هستند، مقایسه می‌شود تا بتوان به راحتی برای حفاظت از این عرصه‌ها و جلوگیری از تغییر کاربری آنها، تصمیم‌گیری کرد. با آشکارسازی اهمیت این رویشگاه‌ها، نگاه و افکار عمومی، قانون‌گذاران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را همراه و در نهایت حساسیت‌ها و خطوط قرمز لازم را برای این تصمیم‌گیری‌ها ترسیم نمود، به‌عنوان مثال:

- حفظ یکپارچگی اکوسیستم‌ها برای حفظ فرایند اکوسیستمی و چرخه حیات، غیرقابل اجتناب است و در هر تصمیم‌گیری باید مورد توجه قرار گیرد.
- تخریب رویشگاه گونه‌های گیاهی، جانوری و میکروارگانیسم‌های انحصاری، نادر و در معرض خطر انقراض غیرقابل اغماض است و باید برای همیشه ممنوع شود.
- عدم تغییر کاربری مناطق حفاظت‌شده، قرق‌ها، ذخیره‌گاه‌ها و اکوسیستم‌های ویژه و منحصر به فرد، دائمی است و با توجه به شکنندگی محیط‌های طبیعی ایران، پدیده تغییر اقلیم و در راستای شکل‌دهی ارتباط شبکه‌ای آنها، حداقل در حد متوسط جهانی توسعه داده شده و سطح آنها افزایش یابد.
- ادامه روند فرسایش خاک، تخریب سرزمین و خاک‌فروشی تحت عناوین استخراج معادن، توسعه کشاورزی غیرحفاظتی و ناپایدار و سایر پروژه‌های زیرساختی به منزله زوال دائمی تنوع زیستی و انقراض میکروارگانیسم‌های داخل خاک به شمار می‌رود و باید این روند اصلاح شود.
- دست‌کاری مانداب‌ها و خشک شدن تالاب‌ها، رودخانه‌ها و چشمه‌سارها، حتی به صورت موقت و با اهداف ساماندهی آنها، به منزله زوال و مرگ این اکوسیستم‌ها است.

بنابراین لازم است این حساسیت‌ها و خط قرمزها در قالب قوانین و مقررات، رویکردها و راهبردها، نقشه‌ها و دستورالعمل‌ها، تدوین و عملیاتی شوند، برای دستیابی به این هدف، همکاری دستگاه‌های اجرایی و پژوهشی کارساز خواهد بود.